

تقدیم به روح پاک مادرم و
تقدیم به برادر شهیدم حسین

پیشگفتار

سازمان بین‌المللی مجمعی از کشورهاست که با عقد قرارداد میان اعضای آن ایجاد می‌شود و با داشتن یک نظام یا مجموعه‌ای از دستگاهها به پیگیری هدفهای مربوط به مصالح مشترک از طریق همکاری بین اعضا می‌پردازد. هدف اصلی سازمانهای مالی و پولی بین‌المللی تغییر وضعیت نامطلوب اقتصاد جهانی، گسترش و بسط تجارت آزاد از طریق رفع محدودیتهای بازرگانی و تجاری، تنظیم و تدوین نظام نوین اقتصادی و پولی بین‌المللی و سرانجام بالا بردن سطح رفاه ملل دنیا از طریق تقسیم کار در سطح بین‌الملل است. ولی با کمال تأسف پس از چند دهه فعالیت این سازمانها، نتایج قابل توجهی عاید کشورهای در حال توسعه جهان نشده است. این در حالی است که کشورهای پیشرفته با تسلطی که بر این سازمانها دارند توانسته‌اند از این موقعیت بهره‌برداری فراوانی بکنند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند که قیمت کالاهای تولیدی آنها که اغلب در برگیرنده مواد اولیه است با مصنوعات صنعتی که مجبور به ورود آنها هستند، قابل مقایسه نیست؛ لذا منافع حاصل از این تجارت ناهمگون، نصیب کشورهای بزرگ صنعتی می‌شود. این کشورها برای عادلانه شدن تجارت و روابط اقتصادی بین‌المللی به نفع کلیه کشورهای جهان تلاشهایی را آغاز کردند که به تشکیل کنفرانس تجارت و توسعه (انکتاد) در سال ۱۹۶۴ انجامید و اجلاسهای آن همچنان ادامه دارد.

از طرف دیگر کشورهای صنعتی با پیگیری اهداف موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و تشکیل سازمان تجارت جهانی و اعلام نظریه «جهانی شدن» اقتصاد کشورها سعی در تسلط کامل بر اقتصاد کشورهای جهان دارند. در این میان دولتهای

کشورهای در حال توسعه مسئولیت سنگینی را در حفظ منافع اقتصادی ملتهای خویش به عهده دارند که در یک مبارزه اصولی به تمهیدات مختلف برای بهره‌گیری حداکثر از فرصتها و رفع همه تهدیدات و خطرها توسل جویند تا به وظیفه تاریخی خویش در این برهه حساس عمل کرده باشند.

در این کتاب سعی شده است مباحث اساسی مربوط به مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی و منطقه‌ای به گونه‌ای که با اقتصاد جامعه ما نیز ارتباط دارد، مطرح شود. این مباحث در برگیرنده نظریات مختلف بر له و یا علیه اقدامات بعضی از این سازمانهاست که با دیدگاه نقادانه‌ای بررسی شده است تا دانشجویان عزیز رشته‌های مدیریت و اقتصاد با تأمل بیشتری به اهداف و مقاصد این سازمانها بنگرند و به حفظ و حراست از منافع و منابع ملی خویش پردازند و در این راستا عقلایی‌ترین روشها را برگزینند.

در خاتمه از اساتیدی که در انجام این تألیف مرا مورد عنایت و یاری قرار داده‌اند و همچنین از جناب آقای علی‌اصغر پورعزت و آقای آرین قلی‌پور که مرا ترغیب و تشویق نمودند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم. همچنین از دانشجویانی که با طرح پرسش و همراهی در مباحث موجب بارورتر شدن مطالب شده‌اند نهایت تشکر و امتنان را دارم.

همچنین از کارکنان سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت» به‌ویژه سرکار خانم مریم موسوی به خاطر حسن سلیقه در ویرایش ادبی این کتاب و نیز کتاب مدیریت استراتژیک در بازرگانی و صنایع تشکر و قدردانی می‌شود.

دکتر مهدی ابراهیمی‌نژاد

استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

سازمانهای اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای رهاورد قرن معاصر به ویژه سالهای پس از جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ جهانی دوم اکثر کشورهای جهان خواستند از طریق ایجاد سازمانها و تشکیلات مناسب بتوانند پاره‌ای از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را حل کنند و نیز از این طریق از وقوع بحرانهای جهانی بکاهند. از این تاریخ به بعد سازمانهایی در پوشش اسامی گوناگون و شرح وظایف منطقه‌ای و یا بین‌المللی تشکیل شد.

لزوم همکاری و مشارکت کشورها به منظور بهبود ارتباطات اقتصادی - سیاسی، آنان را بر آن داشت تا انتظاراتشان را در این گونه سازمانها دنبال کنند. امروزه کمتر کشوری را می‌توان یافت که در چندین سازمان بین‌المللی عضویت نداشته باشد و در صدد آن نباشد تا مسائل سیاسی و اقتصادی خود را با عضویت در این سازمانها و هماهنگی با سیاست‌گذاریهای اقتصادی جهانی حل کند.

برای برخی از این سازمانها اهدافی از قبیل افزایش رفاه جامعه بشری و کم کردن بار مشکلات عقب‌ماندگی و مقابله با مشکلاتی که احتمالاً در آینده بروز خواهد کرد، تعیین شد. برخی دیگر اهداف استثماری را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند که غالباً این اهداف را در کشورهای عقب‌نگاه داشته شده دنبال می‌کنند و تعدادی از این سازمانها برای استعمارزدایی و کاهش فقر به وجود آمدند.

مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی که در پی گسترش بانکها بعد از جنگ جهانی اول و ظهور بحران اقتصادی قرن در بین سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۴ و بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمده‌اند به مرور نقش بسیار حساس خود را در مسائل اقتصادی پولی و مالی بین‌المللی نشان داده‌اند. امروزه اهداف اولیه هر یک از

این سازمانها، اگرچه دستخوش سیاستهای مزورانه غریبهها شده است، با توجه به نقشی که هر یک می‌توانند در بهبود یا به فساد کشیدن وضع اقتصادی کشورها به‌خصوص کشورهای رو به رشد داشته باشند، همچنان ضروری به نظر می‌رسد؛ برای مثال نقش صندوق بین‌المللی پول و یا بانک جهانی که هر روزه اخباری را در مورد سیاستهای آنها در رابطه با کشورهای امریکای لاتین، افریقایی و یا آسیایی می‌شنویم، در دهه اخیر آن‌چنان حساسیت خاصی دارد که مطالعه آن نباید از نظر کارشناسان رشته‌های مختلف علوم مدیریت و اقتصاد دور بماند؛ زیرا در غیر این صورت بررسی مسائل اقتصادی پولی و بانکی کشورها به این آسانی میسر نخواهد بود.